

مطالعه‌ی تطبیقی محدودهی استیذان زوجه برای اشتغال در فقه فریقین^۱

عبدالرسول احمدیان*

چکیده

امروزه، اشتغال، زنان گریزناپذیر گردیده است. از دیگر سو، خروج از منزل شوهر بدون اذن او، «نشوز» محسوب می‌شود. درباره‌ی محدوده استیذان زوجه برای خروج از منزل، گروهی از فقها، استیذان از زوج را به‌طور مطلق واجب و گروهی به قید «منافات‌نداشتن با حق زوج در استمتاع تام از زوجه»، مقید می‌دانند؛ هرچند زوجه نیز در صورت ضرورت می‌تواند از خانه خارج و به اشتغال بپردازد. همه‌ی مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند اگر اشتغال زوجه - چه خارج از منزل، چه داخل منزل - با حق استمتاع تام زوج در تنافی باشد، به اذن زوج نیاز دارد. فقه فریقین همراستای با هم بیان می‌کنند اشتغال زوجه نباید با مصلحت خانواده و همچنین با شؤون زوجین و وظیفه مشارکت در تربیت فرزندان و تحکیم خانواده در تنافی باشد. طبق وظیفه ریاست و اداره‌ی خانواده، زوج می‌تواند بر روابط و رفت و آمدهای زوجه نظارت داشته باشد. از آن سو، طبق اصل آزادی اراده، زوجه می‌تواند در تمام اموال خود تصرف نماید و زوج حق ندارد در امور شخصی زوجه دخالت کند؛ هرچند اجازه از زوج، امری حسن به‌شمار می‌رود.

کلید واژه‌ها: اذن، اشتغال زنان، شرط ضمن عقد، فقه فریقین، خروج از منزل.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳

* استاد یار گروه فقه و اصول، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول)

r.ahmadian@chmail.ir

۱- بیان مسأله

در اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند». از سویی، عقد نکاح حقوقی را برای هر یک از طرفین عقد ایجاد می‌کند. از جمله این حقوق، تمکین زن در مقابل مرد است. این لزوم، ناشی از قوأمیت مرد و مسؤولیتی است که از جانب خداوند برای مدیریت و حفاظت از خانواده بر عهده مرد قرار داده شده است؛ البته تا جایی که موجب معصیت الهی نشود. ریاست شوهر فقط مربوط به امور خانواده و مصالح آن است؛ چراکه ریاست او ثمره‌ی تشکیل خانواده است؛ زیرا اصل اولی، عدم سلطه و ولایت انسانی بر انسان دیگر است. اشتغال زوجه می‌تواند از جنبه‌های مختلف با حق تمکین عام زوج در تعارض قرار گیرد. فقهای مذاهب مختلف، اصل لزوم استیذان زوجه برای اشتغال را در مواردی که با حقوق شوهر در تعارض باشد، پذیرفته‌اند. بحث و اختلاف نظر در این است که محدوده لزوم استیذان برای اشتغال چه اندازه است و مذاهب مختلف در این زمینه چه اتفاق نظرها و چه اختلاف نظرهایی دارند که بیانگر سؤال اصلی این تحقیق است.

پیش فرض ما در مسأله یادشده این است که طبق اصل آزادی اراده، زوجه، اختیار امور شخصی خویش را دارد؛ هرچند این آزادی تا جایی است که با وظایف زناشویی در تنافی نباشد. برای رسیدن به هدف مطلوب تحقیق که همان مطالعه تطبیقی محدوده نیاز به استیذان برای اشتغال زوجه است، با استفاده از روش تحقیق اسنادی و تجزیه و تحلیل یافته‌های مرتبط با موضوع، به بحث و بررسی پرداخته‌ایم. بررسی این موضوع، از آن لحاظ ضرورت و اهمیت دارد که نتیجه بحث بر اعمال عبادی و غیرعبادی زوجه تأثیر می‌گذارد؛ به نحوی که افزون بر حرمت تکلیفی، آثار وضعی فراوانی از آن منتج می‌شود. همه فقهای اسلامی معتقدند انجام اموری که با حق زوج در تنافی باشد، «نشوز» محسوب می‌شود و زن ناشزه، استحقاق دریافت نفقه و قسم ندارد. همچنین در آیه‌ی ۱۳۴ سوره نساء، به دنبال نشوز، اقدام‌هایی برای شوهر مجاز دانسته شده است (حلی، ۱۴۰۳، ۲۹۵). در پیشینه تحقیق مقالات زیر مورد مطالعه و دقت قرار گرفته است که هر کدام از یک منظر به این موضوع پرداخته‌اند که می‌توان به مقاله بررسی فقهی و حقوقی اشتغال زنان، جمشید جعفرپور؛ سوءاستفاده از حق ریاست شوهر در منع اشتغال زنان، احمد دیلمی؛ اختیارات شوهر در منع اشتغال زن در نظام حقوق ایران، محمد حسن صادقی مقدم؛ اشتغال زن و نقش اجازه شوهر در آن، گودرز افتخار جهرمی اشاره کرد. تحقیق حاضر از این منظر که یک

پژوهش تطبیقی است در هدف از مقالات فوق متمایز می باشد همچنین در این مقاله به حالت‌ها و جهت‌های مختلف استیذان از شوهر با تقسیم‌بندی جدیدی پرداخته شده است که با مقالات فوق متفاوت می‌باشد.

۲- محدوده‌ی بحث

اشتغال زوجه از چند جهت می‌تواند با حقوق شوهر در ارتباط باشد که لازم است به‌طور جداگانه بررسی شود:

۱. اشتغال زوجه در صورت نیاز به خروج از منزل؛
 ۲. اشتغال زوجه و تعارض با استمتاع تام زوج؛
 ۳. اشتغال زوجه و تعارض با مصالح خانواده و حیثیت اجتماعی شوهر؛
 ۴. اشتغال زوجه و استیذان در تصرف مالی و استقلال مالی او.
- اشتغال زنان به‌طور صریح در کلام فقهای امامیه به چشم نمی‌خورد؛ ولی می‌توان نظر فقها را درباره‌ی حکم این مسأله از لابه‌لای مباحث آنها برداشت کرد.

۳- اشتغال زوجه در صورت نیاز به خروج از منزل

اگر اشتغال زوجه نیازمند خروج از منزل باشد، این اشتغال با استیذان برای خروج از منزل ارتباط پیدا خواهد کرد. درباره‌ی محدوده استیذان زوجه برای خروج از منزل در فقه امامیه، چند قول بیان شده است. گروهی از فقها، استیذان از زوج برای خروج از منزل را به‌طور مطلق واجب می‌دانند. سخنان بسیاری از فقهای متقدم و متأخر امامیه، از جمله شیخ مفید، شیخ طوسی، ابوالصلاح حلبی، علامه حلی، امام خمینی و آیت‌الله سیستانی، مؤید این نگاه است (احمدیان، ۱۳۹۶، ۱۳). گروه دوم، استیذان را به قید «منافات‌نداشتن با حق زوج در استمتاع تام از زوجه»، مقید می‌دانند. فتاوی برخی از فقهای معاصر، مانند آیت‌الله خویی، شیخ محمد مهدی شمس‌الدین، سید محمدحسین فضل‌الله، آیت‌الله محمد موسوی بجنوردی و آیت‌الله جناتی، ناظر به این دیدگاه است.

۳-۱- لزوم استیذان مطلق برای خروج از منزل طبق نظر امامیه

بنابر این مینا، برای هر بیرون رفتنی از منزل - هر چند کوتاه مدت - و حتی بیرون رفتنی که با حق زوج منافات ندارد - برای اشتغال یا هر کار دیگر - بر زوجه لازمست که از زوج اذن بگیرد، مگر در موارد استثنائی و ضروری.

مرحوم صاحب جواهر می‌فرماید: «حق شوهر بر زن است که زن از او اطاعت کند و نافرمانی نکند» (نجفی، ۱۳۶۳، ۳۱، ۱۴۷).

نویسنده کتاب مسالک‌الافهام نوشته است: «از جمله تکالیف زن در برابر شوهر این است که از منزل بدون اذن او خارج نشود؛ حتی اگر برای دیدن و عیادت بیماران و حضور در مراسم فوت یکی از اقوامش باشد» (جبعی عاملی، ۱۴۱۳، ۸، ۴۴۵-۴۴۶). پس به طریق اولی خروج برای اشتغال نیز احتیاج به اذن دارد. اصولاً خروج زن از خانه به هر منظوری که باشد باید با موافقت شوهر انجام پذیرد (سیستانی، ۱۴۱۳، ۳، ۱۰۳، مسأله ۳۳۷).

قائلان این دیدگاه به روایات متعددی استناد کرده‌اند که در آنها، لزوم استیذان مطلق بیان شده است. از جمله این روایات می‌توان به نمونه زیر اشاره کرد:

پیامبر (صل‌الله علیه و آله) در پاسخ به زنی که پرسیده بود: «حقوق شوهر بر زنش چیست؟»، از جمله موارد، عدم خروج از منزلش بدون اذن شوهر را برشمردند (کلینی، ۱۳۶۷، ۵، ۵۰۶).

تحلیل روایی: از آنجا که کلام اطلاق دارد، لزوم استیذان به نحو مطلق از روایت برداشت می‌شود. این روایت از روایات معتبر است و از آن به «صحیح» تعبیر شده است (صدوق، ۱۴۰۴، ۳، ۴۳۸).

حقوق یادشده در این روایت، با وجود قرائنی، حمل بر حقوق واجب می‌شود؛ زیرا اولاً، اهل لغت، حق را به معنای امر واجب و ثابت دانسته (ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ۱۰، ۴۹)؛ ثانیاً، جملات خبری در مقام انشاء بیان شده و دلالتشان بر لزوم از جمله انشائی کمتر نیست؛ ثالثاً، لعنت ملائکه عذاب و رحمت که ذیل روایت آمده است، حرمت خروج بدون اذن را تأیید می‌کند (رهبر، ۱۳۹۳، ۱۰، ۶۸).

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا حَقُّ الرَّوْحِ عَلَى الْمَرْأَةِ؟ فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَ لَا تَعْصِيَهُ وَ لَا تَصَدَّقَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ لَا تَصُومَ تَطَوُّعاً إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا وَ إِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ وَ لَا تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ إِنْ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعْنَتْهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَ مَلَائِكَةُ الْأَرْضِ وَ مَلَائِكَةُ الْعَضْبِ وَ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا ...

علی‌بن‌جعفر در کتاب خود از برادرش می‌نویسد: «از او امام کاظم (علیه‌السلام) درباره زنی پرسیدم که آیا بدون اذن شوهرش می‌تواند از خانه‌اش خارج شود. فرمود: نه» (عاملی، ۱۵۹، ۲۰، ۱۴۰۹).

تحلیل روایی: این روایت نیز از روایات معتبره می‌باشد. ما از اطلاق روایت برداشت می‌کنیم این اذن شامل هر بیرون‌رفتنی می‌شود. در این روایت نیز قصد خروج، چه برای اشتغال یا هر کار دیگری، مدخلیت ندارد. پس رعایت حق شوهر واجب است و ترک‌کردن واجب به‌واسطه عملی غیرواجب، جایز نیست؛ بنابراین، هیچ تزاحمی (تعارضی) بین عمل جایز زن (اشتغال) و واجب او (بقاء در منزل) وجود ندارد؛ زیرا زن، جز با اجازه همسرش، حق اشتغال در بیرون از منزل ندارد.

۲-۳- لزوم استیذان مطلق برای خروج از منزل طبق نظر اهل سنت

بیشتر فقه‌های مذاهب شافعی، مالکی و حنبلی قائل به دیدگاه لزوم استیذان مطلق و بیشتر فقه‌های حنفی قائل به دیدگاه استیذان مقید هستند. در کتاب کشف‌القناع آمده است که بیرون‌رفتن زن بدون اجازه همسرش، حرام است. این حکم در هنگامی است که همسر مواردی که زن به آنها نیاز دارد را فراهم کند؛ بنابراین، اگر مرد این کارها را نکند، زن می‌تواند بدون اجازه او برای رفع نیازهای ضروری خود از منزل بیرون برود (بهوتی، ۱۴۰۲، ۵، ۱۹۷).

در مذهب حنفی در تعریف نشوز آمده: «نشوز، بیرون‌رفتن زن از منزل شوهر است؛ درحالی‌که این حق را ندارد» (ابن‌عابدین، ۱۴۱۵، ۳، ۶۳۳). به این مطلب در مذهب شافعی هم اشاره شده است؛ وقتی در تعریف نشوز می‌گویند: «بیرون‌رفتن از خانه شوهر نشوز است، مگر به‌سبب عذر شرعی...» (نوری، ۱۴۱۷، ۱۸، ۱۲۴؛ شربینی، ۱۳۷۷، ۲۶۰). نویسنده کتاب الانصاف می‌گوید: «بیرون‌رفتن زن بدون اجازه‌ی شوهرش حرام است. اگر این کار را کرد، دیگر نفقه واجب به او تعلق نمی‌گیرد» (مرداوی، بی‌تا، ۸، ۳۶۰). در کتاب کشف‌القناع آمده است: «بیرون‌رفتن زن بدون اجازه همسرش حرام است؛ زیرا رعایت حق همسر، واجب است و ترک این واجب به‌واسطه امری که واجب نیست، جایز نیست» (بهوتی، ۱۴۰۲، ۵، ۱۹۷).

علاوه بر این، نفقه زن بر مرد واجب است. از این‌رو، اشتغال برای زن وجهی ندارد و زنی که بیرون از منزل به کار می‌پردازد، دیگر نمی‌تواند برای همسرش وقت کامل بگذارد و به‌طور کامل در خدمت او باشد. بنابراین، مرد می‌تواند زن را از بیرون‌رفتن از خانه، منع کند (ابن‌عابدین، ۱۴۱۵، ۳، ۶۶۳).

در معنی المحتاج آمده است: «زن می‌تواند برای به‌دست آوردن نفقه در طول روز از خانه بیرون برود؛ خواه با کار یا تجارت یا با گدایی باشد و مرد نمی‌تواند او را منع کند و فرقی ندارد که زن فقیر باشد یا ثروتمند؛ چراکه تمکین و فرمانبرداری وقتی معنا دارد که نفقه زن پرداخت شود. بنابراین، اگر وظیفه خود را (پرداخت نفقه) انجام ندهد، دیگر استحقاق اطاعت نخواهد داشت. شربینی در ضمن این مطلب می‌گوید: اگر زن بتواند از اموال خود هزینه کند یا در منزل به کار درآمدزایی بپردازد، حق ندارد از منزل بیرون برود و این نظری است و نظر اول صحیح است» (شربینی، ۳۷۷، ۳، ۴۴۵).

براین اساس، بیشتر فقهای اهل سنت پذیرفته‌اند که خروج زن از منزل، احتیاج به اذن مطلق زوج دارد؛ ولی در مواردی که زن برای بیرون رفتن، عذر شرعی (سببی که عقل و شرع آن را تأیید کنند) داشته باشد، می‌تواند از منزل خارج شود و موارد ضروری استثنا شده است.

بر پایه نکات پیش گفته، بیشتر فقهای شیعه و اهل سنت در این مسأله اتفاق نظر دارند که استیذان برای خروج از منزل به صورت مطلق لازم است؛ در نتیجه، خروج از منزل برای اشتغال، حتی اگر با استمتاع تام زوج نیز منافات نداشته باشد، به اذن زوج نیاز دارد.

۴- اشتغال زوجه و تعارض با استمتاع تام زوج

اگر اشتغال زوجه نیازمند خروج از منزل نباشد، چنانچه با استمتاع تام زوجه در تعارض باشد، از این حیث، به بررسی و واکاوی نیاز دارد.

۴-۱- لزوم استیذان برای اشتغال در هنگام تعارض با استمتاع زوج، طبق نظر

امامیه

فقهای امامیه به‌طور کلی به چند آیه و حدیث استناد کرده‌اند که از این قرار است:

زنی نزد رسول خدا (صل الله علیه و آله) آمد و گفت: ای رسول خدا، مرد چه حقی بر زن دارد؟ رسول خدا (صل الله علیه و آله) فرمود: حاجت‌های او را اجابت کند، اگرچه او در حال سواری و روی مرکب باشد و نخواهد، درحالی که شوهرش از او خشمناک و ناراحت است. باز هم آن زن سؤال کرد: ای رسول خدا،

اگرچه شوهر ظالم و سختگیر باشد؟ پیامبر (صل‌الله و علیه و آله) فرمود: بله، اگرچه این چنین باشد، زن باید به وظایف خود عمل کند^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ۵، ۵۰۸؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰، ۱۵۹، ۲، ۲۵۳).
وقتی اطاعت از زوج در امور زناشویی در سخت‌ترین شرایط نیز از وظایف زوجه محسوب می‌شود، حتماً در سایر شرایط نیز این حق بر بقیه امور ترجیح دارد.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: هرگاه زنی نمازهای پنج‌گانه را بخواند، روزه واجب را بگیرد و حج را به‌جای آورد و از شوهرش اطاعت کند و حق ولایت علی را بشناسد، از هر دری که بخواهد وارد بهشت می‌شود^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰، ۱۵۹؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ۳، ۴۴۱).

تحلیل روایی: در این روایت، اطاعت از شوهر، هم‌ردیف انجام واجبات اصلی دین مانند نماز و حج قرار گرفته است. می‌دانیم اطاعت از شوهر مانند اطاعت از خدا و پیامبر نیست که بتواند چیزی را حلال یا حرام نماید؛ ولی مسلماً در حقوق خودش (با دستور خداوند)، اطاعت از شوهر، واجب و هم‌ردیف اطاعت از خدا قرار گرفته است. پس قطعاً هر کاری، اعم از اشتغال یا کار دیگر، نباید با این حق تنافی داشته باشد.

خداوند در آیه حرث می‌فرماید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاَتُوا حَرْثَكُمْ اَنَّى شِئْتُمْ..» (بقره: ۲۲۳)؛ زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید.

بنابراین که ابن‌حرث به زمان و شرایطی مقید نشده است، هر آنچه با آن در تضاد باشد، به اذن و اجازه از همسر احتیاج دارد. فقها نیز به استناد همین آیات و روایات، چنین استنباط کرده‌اند:

فاضل هندی می‌گوید: «شوهر حق دارد زن را از عبادت والدین و خویشاوندانش و تشییع جنازه آنها و بالجمله خروج از منزل بازدارد؛ مگر آنکه در مورد مسأله‌ای واجب باشد؛ زیرا شوهر در هر زمان استحقاق استمتاع از همسرش را دارد (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۲، ۱۰۰). پس به طریق اولی در کارهای دیگر با درجه‌ی ضرورت کمتر مانند اشتغال نیز این حق برای شوهر وجود دارد.

۱. عَنْهُ عَنِ الْجَامُورِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي الْمَعْرَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: آتَتْ امْرَأَةً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص). فَقَالَتْ: مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ؟ فَقَالَ: أَنْ تُجِيبَهُ إِلَى حَاجَتِهِ وَ إِنْ كَانَتْ عَلَى قَسَبٍ وَ لَا تُعْطَى شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِهِ فَإِنْ فَعَلَتْ فَعَلَيْهَا الْوِزْرُ وَ لَهُ الْأَجْرُ وَ لَا تَبِيتَ لَيْلَةً وَ هُوَ عَلَيْهَا سَاحِطٌ. قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص): وَ إِنْ كَانَ ظَالِماً؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَتْ: وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ، لَا تَزَوِّجُنِي زَوْجاً أَبَدًا.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَابِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ خَمْسَهَا وَ صَامَتِ شَهْرَهَا وَ حَجَّتْ نَيْتَ رِبْهَا وَ أَطَاعَتْ زَوْجَهَا وَ عَرَفَتْ حَقَّ عَمِّي - فَلْتَدْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ.

شهید ثانی و صاحب جواهر می‌گویند: «حق استمتاع بر زن واجب است. این حق اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد؛ پس زن نمی‌تواند کاری بر خلاف این حق شوهر انجام دهد؛ مگر اینکه از او اذن گرفته باشد (شهید ثانی، ۱۳۶۳، ۳۱، ۱۸۳؛ نجفی، ۱۴۱۶، ۸، ۳۳۷).

بر این اساس، اگر اشتغال زوجه با حق استمتاع زوج که به هیچ زمان و مکانی مقید نیست، تعارض داشته باشد و باعث گردد این حق محدود و مقید گردد، یقیناً جایز نبوده و به اذن زوج احتیاج دارد؛ مگر در مواردی که استثنا شده و به حکم شرع و عقل جایز شمرده شود؛ مانند حفظ جان یا سلامت یا در مواردی که از قبل در ضمن عقد، شرط شده باشد که از ذیل قانون کلی خارج می‌شود. پس لزوم استیذان مطلق که از روایات به دست می‌آید، به حکم اولی است و واضح است که این حکم اولی، مانند سایر احکام اولی شاید تحت عناوین ثانویه تغییر یابد، عناوینی مانند:

الف. ضرورت: با توجه به آیه‌ی ۱۷۳ سوره بقره «... فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمٌ...»

ب. انجام واجبات: اطلاق ادله‌ی واجبات و عدم تقیید به اذن شوهر، مستلزم جواز انجام دادن این امور حتی بدون اذن شوهر است؛ پس در صورتی که فعل واجب، نیاز به خروج از منزل داشته باشد، چنین خروجی بدون اذن شوهر نیز جایز است. همچنین است اگر خود اشتغال به دلایل ثانویه واجب شده باشد مانند پزشکی که حفظ جان دیگری منوط به حضور و انجام طبابت و اشتغال باشد.

ج. ضرر و اذیت: بر اساس قاعده «لاضرر» که از قواعد بسیار مهم فقهی است، اگر استیذان موجب ضرر و اذیتی شود که عرفاً برای زوجه تحمل‌ناپذیر باشد، لازم‌الرعايه نیست. در آیات قرآن درباره زنان مطلقه که در حال عده هستند و باید در خانه شوهر بمانند، می‌خوانیم: «وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَیْهِنَّ...» (طلاق، ۶) وقتی قرآن درباره‌ی زنان مطلقه چنین دستور می‌دهد، به طریق اولی درباره‌ی همسران نباید مضیقه و فشار وجود داشته باشد.

بنابراین، اشتغال به حرفه‌هایی که با استمتاعات زوج منافی باشد، حتی در داخل منزل نیز باید با جلب موافقت شوهر باشد. اشتغالات غیرمنافی نیز (اعم از داخل یا خارج منزل) چنانچه با مصالح و حیثیت خانوادگی شوهر منافات داشته باشد، می‌تواند مورد ممانعت قرار گیرد؛ بنابراین، واضح است که در صورت عدم اطاعت، زوجه ناشزه محسوب خواهد شد (محقق داماد، ۱۳۸۴، ۳۱۶). البته اگر مرد نفقه زن را ندهد، با استناد به آیه‌ی ۷۸ سوره حج «...مَا جَعَلَ عَلَیْكُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ...» و آیه‌ی ۱۸۵ سوره‌ی بقره «...یُرِیدُ اللّهُ بِكُمْ الْاِیْسَرَ وَ لَا یُرِیدُ بِكُمْ الْعُسْرَ...» در مواردی که استیذان، عسر، حرج و سختی و مشقت

برای زوجه فراهم کند، لزوم شرعی ندارد پس زن برای رفع ضرورت (بدون اذن مرد) می‌تواند بیرون از منزل کار کند.

لازم به ذکر است همه‌ی علما متفق‌القول‌اند که برآوردن مطلق نیازهای مرد بر زن واجب نیست و تنها زن ملزم به برآوردن نیازهای مربوط به استمتاع است و رفع سایر نیازها که مربوط و متعلق به استمتاع و تلذذ جنسی شوهر نیست، بر زن واجب نمی‌باشد (مدنی تبریزی، ۱۴۰۳، ۳۱۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱، ۲۰۵؛ طباطبایی، بی‌تا، ۲، ۱۵۲؛ امام خمینی، بی‌تا، ۲، ۳۰۵). در نتیجه، اگر اشتغال زوجه با حق تمکین خاص زوج در تنافی نبود، به اذن احتیاج ندارد.

۴-۲- لزوم استیذان برای اشتغال در هنگام تعارض با استمتاع زوج، طبق نظر عامه

فقه‌های اهل سنت نیز هم‌نوا با امامیه معتقد هستند اگر اشتغال زن با حقوق مسلم زوج در تنافی بود، حتی اگر این اشتغال نیاز به خروج از منزل نداشت، باز به استیذان و اجازه از همسر نیاز دارد، ایشان نیز به احادیثی استناد کرده‌اند مثلاً؛ روایتی که از رسول خدا (صل‌الله‌علیه‌و‌آله) نقل شده است: اگر مرد زن را فرابخواند، لازم است که برود؛ حتی اگر در حال پخت نان و کنار تنور باشد (نووی، ۱۴۱۸، ۱۰، ۹).

رسول خدا (صل‌الله‌علیه‌و‌آله) به زن درباره‌ی اطاعت نکردن از همسرش در هنگامی که شوهرش او را به بستر فرابخواند هشدار داده است - هرچند زن در حال پخت نان و در کنار تنور باشد - و به زن در صورت مخالف با امر شوهرش وعده لعنت فراوان داده شده است و این لعنت‌ها همراه او خواهد بود تا زمانی که همسرش از او راضی شود.

در حاشیه رد المختار به نقل از البحر آمده است: «مرد می‌تواند مانع زن شود برای هر کاری؛ حتی نخ ریسیدن و مامایی و غسل دادن میّت (زن). و می‌گوید که تو خود آگاهی که اگر شوهر، زن را منع کرد و زن فرمانبرداری نکرد و بدون اجازه‌ی شوهر بیرون رفت، زن مادمی که بیرون است ناشزه است و اگر شوهر او را منع نکند، ناشزه نخواهد بود و شایسته نیست که ریسنده‌ی که در کلام آمده است را تخصیص بزنیم (برای مثال بیان شده)، بلکه مرد می‌تواند زن را از تمامی کارهای درآمدزا منع کند؛ زیرا که زن (در حالت عادی) بی‌نیاز از آن‌هاست؛ چراکه مرد مسؤول فراهم کردن احتیاجات زن است و به طریق اولی مرد می‌تواند زن را از کار کردن بدون مزد برای فرد غریبه، منع کند» (ابن‌عابدین، ۱۴۱۵، ۳، ۶۳۴).

ابن عابدین می‌گوید: «مرد حق دارد زن را منع بکند از کاری که موجب بشود حق مرد به‌خوبی ادا نشود یا ضرری به او برسد و همچنین می‌تواند زن را از بیرون رفتن منع بکند؛ اما کاری که هیچ ضرری را متوجه مرد نمی‌کند، مرد حق منع ندارد؛ مخصوصاً در هنگامی که مرد در خانه حضور ندارد؛ زیرا که تنها گذاشتن زن در خانه و بدون کار، باعث ایجاد وسوسه‌های نفسانی و شیطانی می‌شود یا باعث می‌شود زن، در اموری که ربطی به همسایگان و غریبه‌ها ندارد، وارد شود» (کارها و اعمالی که نباید همسایه‌ها و دیگران از آنها مطلع شوند) (ابن عابدین، ۱۴۱۵، ۳، ۶۶۳).

بر خلاف نظر مشهور عامه، طبق نظر حنفی‌ها، اگر زن از تمکین خودداری کرد، ناشزه نخواهد بود (ابن عابدین، ۱۴۱۵، ۳، ۶۳۳).

علت حکم یادشده را این‌گونه بیان کرده‌اند: وجود زن در خانه شوهر و بقای زن در آن منزل موجب می‌شود که شوهر بتواند با او هم‌بستر بشود؛ خواه رضایت داشته باشد و خواه مجبور شود. بنابراین، ناشزه نخواهد بود؛ مانند این که زنی که به سن بلوغ نرسیده، وطی نمی‌شود مگر با اکراه.

۵- اشتغال زوجه و تعارض با مصالح خانواده و حیثیت اجتماعی شوهر

اشتغال زوجه می‌تواند به خروج از منزل احتیاج نداشته باشد یا زن برای بیرون رفتن اذن گرفته باشد و همچنین با حق استمتاع تام زوج نیز در تنافی نباشد؛ اما از جهت دیگر، یعنی مصالح و حیثیت اجتماعی شوهر یا زن، در تعارض باشد.

۵-۱- لزوم استیذان زوجه در صورت تعارض با مصالح خانواده طبق نظر امامیه و حقوق ایران

طبق تلقی دینی و قانونی، «اموری با مصالح خانوادگی منافی است که سبب سستی بنیان آن یا اخلال در نگاهداری و تربیت فرزندان یا حیثیت اجتماعی زن و شوهر یا برهم‌زدن نظم اقتصادی خانواده باشد...» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۱، ۲۳۳).

به‌طور خلاصه و کلی، ارتباط زوجه با مصالح خانواده را می‌توان به دو بخش اساسی تقسیم کرد:
الف: مصالحی که از حیث ارتباط زوجه با زوج به عنوان اعضا اصلی خانواده باید رعایت شود. و عدم رعایت آن منجر به سستی بنیان خانواده می‌شود: خداوند در آیه‌ی ۱۸۷ سوره بقره می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» این آیه زن و شوهر را لباس و پوشش یکدیگر خوانده است و نشان از وظایف

مشترک این دو در برابر یکدیگر دارد. یعنی در عین حال که زن و شوهر از این لباس استفاده می کنند وظیفه لباس و پوشش بودن در قبال دیگری را نیز بر عهده دارند.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱)
 «و از نشانه‌های او اینکه از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میاتتان مودت و رحمت قرار داد» پس برای ایجاد آرامش در خانواده هر یک از زوجین وظایفی در مقابل یکدیگر دارند.

مطابق ماده‌ی ۱۱۰۴ قانون مدنی، «زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند». بنابراین، تشدید و تحکیم مبانی خانواده، وظیفه مشترک زوجین است؛ حال اگر شغلی که زن انتخاب کرده، به دلایلی، موجب سستی بنیان خانواده باشد، زوج می‌تواند با آن مخالفت نماید.

و طبق ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی، «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند». شوهر در سبب ریاست و مسؤولیت سرپرستی خانواده و در جهت مصلحت‌اندیشی و پاسداری از عفت و حیثیت خانواده، می‌تواند زن را از اشتغال منع نماید. بنابراین، بحث اشتغال زوجه را می‌توان بر اساس چنین ضابطه‌ای تحلیل و بررسی کرد؛ بدین ترتیب که شوهر حتی اگر اشتغال زن مغایر با حق کامجویی وی نباشد یا به این امر رضایت دهد، به لحاظ داشتن ریاست و سرپرستی خانواده و صلاح‌اندیشی آن، حق بازرسی و نظارت دارد و به این ترتیب می‌تواند زن را از اعمال و مشاغل منافی عفت و مصلحت و حیثیت خانواده بازدارد (مهرپور، ۱۳۸۴، ۳۸)؛ ولی حق ندارد به دلخواه خود و بدون این که دلیل موجهی داشته باشد، زن را از معاشرت با خویشان نزدیک خود یا انجام فرائض دینی یا تکالیف اجتماعی بازدارد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۱، ۲۲۹).

ممکن است شغلی مشروع باشد، در عین حال با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین، ناسازگار باشد. مانند اینکه همسر یک استاد دانشگاه یا یک عالم دینی، منشی اداره ای باشد یا شوهر یک خانم با تحصیلات عالی، شغل دستفروشی را برگزیند. این قبیل مشاغل، با وجود اینکه مشروع هستند، ولی عرفاً می‌توانند منافی حیثیات زوجین تلقی شود (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵، ۱۶).

ب: مصالحی که از حیث ارتباط زوجه با فرزندان به عنوان مادر خانواده باید مورد توجه قرار گیرد. و عدم رعایت آنها موجب اختلال در تربیت فرزندان می‌گردد.

خداوند در آیات مختلف از وظایف زن و شوهر به عنوان اعضا یک خانواده در مقابل تربیت فرزندان و مصلحت آنها سخن گفته است مثلاً در آیه‌ی ۲۳۳ سوره بقره می‌فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنِيْمَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» در این آیه وظیفه تربیت و شیر دادن فرزند همچنین مایحتاج او به عهده زن و شوهر قرار داده شده است، البته در آیه به صراحت بیان شده که بیش از طاقت و عرف وظیفه ای ندارند و از طرف فرزند و والدین نباید ضرری به یکدیگر وارد شود.

همچنین می‌فرماید: «وَأْتَمِرُوا بِئِنَّكُمْ بِمَعْرُوفٍ» (طلاق، ۶) «و (در کار فرزند) میان خود به نیکی و معروف، سازش کنید» در این آیه نیز در مورد اساس زندگی بر مبنای معروف و همکاری مشترک سفارش شده است.

امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق خود، تربیت نیکو و کمک برای ایجاد رفتار صحیح در فرزندان را از وظایف والدین برشمرده و فرموده است: «و اما حق فرزندت آن است که بدانی او از توست و خیر و شر او در همین دنیا به تو نسبت داده می‌شود و تو نسبت به تربیت شایسته او و راهنمایی‌اش به سمت و سوی خدا و کمک به خداپرستی‌اش، مسؤولی و در این مورد، پاداش یا کیفر داده خواهی شد. پس در کار تربیت فرزند، چنان رفتار کن که اگر در این دنیا آثار خوب داشت، مایه آراستگی و زینت تو باشد و با رسیدگی شایسته ای که نسبت به او داشته‌ای، نزد پروردگارت عذر و حجت داشته باشی» (بحرانی، ۱۳۷۶، ۷۰).

از فحوا و روح حاکم به آیات و روایات به درستی می‌توان برداشت کرد که تربیت فرزندان یکی از وظایف مهم زن و شوهر و جز اهداف تشکیل خانواده است.

مطابق ماده‌ی ۱۱۶۸ قانون مدنی، « نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است». حال، اگر شغل زن مانع از انجام وظایفی باشد که قانون و شرع در قبال فرزندان بر عهده‌ی وی گذاشته است، زوج می‌تواند مانع اشتغال زن شود.

برای تشخیص منافات داشتن شغل زن با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین معیار ثابتی وجود ندارد و نمی‌توان چارچوب معینی را بیان نمود. معیارهای ذکرشده، نسبت به همه عرف‌ها و اشخاص یکسان نیست و اخلاق عمومی و وضع خاص هر خانواده در این دآوری مؤثر است. به همین دلیل، ذکر مصداق ممکن نبوده و به مصلحت نمی‌باشد. مرجع تشخیص مغایرت شغل زن با مصالح خانواده و حیثیات زوجین دادگاه

است؛ دادگاه نیز با توجه به اخلاق حسنه، عادات و رسوم جامعه و ویژگی های فردی و اجتماعی زوجین، تشخیص می‌دهد که آیا شغل زن با مصالح خانواده مخالفت دارد؟ (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۱، ۲۳۳).

۵-۲- لزوم استیذان زوجه در صورت تعارض با مصالح خانواده، طبق نظر عامه

اگر زن بدون اجازه مرد در بیرون از خانه مشغول به کاری بشود و مرد راضی نباشد، زن ناشزه خواهد بود و فقها در این مسأله میان کارها فرقی قائل نشده‌اند؛ هرچند کار زن جزو شغل‌های ضروری برای جامعه باشد؛ مانند پزشکی (برای زنان)، مامایی و غسل دادن میت زن و به‌مانند این کارها که بیرون رفتن و انجام آنها به‌عنوان واجب کفایی لازم است؛ زیرا که لزوم بقای زن در منزل، واجب عینی است که مقدم بر واجب کفایی است (ابن‌عابدین، ۱۴۱۵، ۳، ۶۳۳).

مرد حق دارد که زن را از ریسندگی و غیر آن منع کند و از هر آنچه موجب می‌شود بوی آن، مرد را اذیت کند، به‌مانند حنا بستن و خال کوبی کردن و به طریق اولی، در دایه شدن و شیر دادن به فرزند دیگر، مرد حق منع دارد؛ زیرا که دایگی زن موجب لاغری زن می‌شود و اگر زن از خانواده‌ای شریف‌تر (از خانواده کودک) باشد، موجب می‌شود که آبروی زن لطمه بخورد (ابن‌عابدین، ۱۴۱۵، ۳، ۶۳۴).

بنابراین، طبق نظر عامه، شغل زن باید با حیثیت و مصالح خانواده، متناسب و هماهنگ باشد.

۶- اشتغال زوجه و استیذان در تصرف مالی و استقلال مالی او

مقتضای اصل در آزادی زوجه در تصرف در اموال خود این است که مردم برای تصرف در اموال خود آزادند: «الناس مسلطون علی اموالهم». قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «... لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا» (نساء، ۳۲)؛ «... برای مردان از آنچه اکتساب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است.»

روایات متعددی هم در این زمینه داریم که مضمون آنها چنین است:

- وفی روایه ابی بصیر قول (علیه‌السلام): ان لصاحب المال ان يعمل به ماله ما شاء؛ مادام حیاً این شاء و هبه و این شاء تصدق به و این شاء ترکه‌ی آن یأتیه الموت (بروجردی، ۱۳۸۶، ۲۴، ۲۹۰).
- صاحب مال تا وقتی زنده است اختیار مالش را دارد؛ اگر خواست ببخشد یا صدقه بدهد.

در مقابل این اصل کلی، چند روایت داریم که دلالت می‌کند بر این که اذن زوج، شرط است. مثلاً: زن حق ندارد بدون اجازه همسرش بنده آزاد کند یا برده‌اش را تدبیر کند یا چیزی به کسی ببخشد یا نذر کند در مال مخصوص خودش، مگر زکات واجب یا نیکی به پدر و مادرش یا بخششی به خویشانش^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۹، ۲۱۴). ظاهر روایت، وجوب و سند آن، معتبر است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۶، ۱۱۹).

ولی در مقابل، ادله‌ای داریم که این معنا را نفی می‌کند مانند معتبره محمد بن مسلم: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ (صل الله عليه و آله): فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ: مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَيَّ الْمَرْأَةِ؟ فَقَالَ: أَنْ تُطِيعَهُ وَ لَا تُعْصِيَهُ وَ لَا تَصَدَّقَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۰، ۵۲۷).

و روایات متعدّد دیگری که دلیل است بر این که زوجه برای تصرف در مال خودش اجازه نمی‌خواهد؛ چون اگر استیذان مطلق بود (خواه از مال زوج یا مال خودش)، نباید این روایات به «من بینه» مقید شود؛ بنابراین، روایاتی هم که می‌گویند استیذان در مال خودش هم لازم است، یک حکم اخلاقی است و زوجه ملزم نیست که برای تصرف در مال خودش اجازه بگیرد. بنابراین، اجازه زن برای تصرف در مال شوهر واجب و در مال خودش مستحب است (مکارم، ۱۴۲۴، ۶، ۱۲۶).

۷- شرط ضمن عقد مبنی بر عدم ممانعت شوهر از کار زن در بیرون از منزل

زوجه می‌تواند ضمن عقد نکاح، اشتغال خود را در بیرون از منزل شرط نماید. فقهای امامیه و عامه، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی را برای این شرط بیان کرده‌اند.

۷-۱- اعتبار شرط ضمن عقد مبنی بر عدم ممانعت شوهر از اشتغال، طبق نظر

امامیه

شروط در یک تقسیم‌بندی کلی به شروط مذکور و غیرمذکور تقسیم می‌شوند. شروط مذکور، گاهی در ضمن عقد و گاهی در خارج عقد هستند (سیمایی صراف، ۱۳۸۰، ۳۴).

۷-۱-۱- اشتغال و شرط ضمن عقد

ممکن است زوجین در ضمن عقد نکاح توافق کنند که زوجه شاغل باشد یا شغل فعلی را حفظ نماید.

۱. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْخُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ مَعَ زَوْجِهَا أَمْرٌ فِي عَيْتِهَا وَ لَا صَدَقَةٍ وَ لَا تَدْبِيرٍ وَ لَا هَيْبَةٍ وَ لَا نَذْرٍ فِي مَالِهَا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا إِلَّا فِي حَجٍّ أَوْ زَكَاةٍ أَوْ بِرِّ وَالِدَيْهَا أَوْ صِلَةٍ رَحْمَهَا.

تردید نیست که شروط مذکور در عقد نافذ است و این، جای بحث ندارد. در ماده‌ی ۱۱۱۹ قانون مدنی درباره اعتبار شروط ضمن عقد آمده است: «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد، در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند».

پس زوج نمی‌تواند با اشتغال همسر مخالفت نماید مگر در جایی که بتواند اثبات کند اشتغال زوجه منافی با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین است. در این شرایط؛ باید به دادگاه دادخواست بدهد؛ در صورتی که ادعای وی به تأیید دادگاه برسد؛ دادگاه حکم ترک شغل، صادر می‌نماید، این حکم آثاری دارد.

اگر زوجه در قرارداد با یک شخص حقیقی یا حقوقی (اعم از شخص حقوقی حقوق عمومی یا شخص حقوقی حقوق خصوصی) تعهداتی پذیرفته باشد، پس از صدور حکم دادگاه، قرارداد میان آنان منحل شده و تعهد شغلی زوجه از بین خواهد رفت. البته تعهد شغلی و قرارداد کاری زمانی از بین می‌رود که ادعای زوج در منافی بودن شغل زن با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین به تأیید دادگاه برسد، بنابراین به صرف مخالفت زوج با شغل زن، کارفرما حق ندارد به اشتغال کارگر زن خاتمه دهد. این نکته در ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده ذکر شده بود: «کارفرما (اعم از حقوقی یا حقیقی) هنگامی می‌تواند به استناد ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده [ماده ۱۸ ق.ح.خ. فعلی] به خدمت زن شوهردار که در استخدام اوست خاتمه دهد که دادگاه قبلاً به درخواست شوهر مبنی بر این که شغل زن منافی با حیثیات خانوادگی است رسیدگی کرده و نظر موافق داده باشد». اگر چه در قانون حمایت خانواده فعلی و آیین‌نامه اجرایی آن چنین متنی دیده نمی‌شود، ولی با توجه به این که لزوم تأیید دادگاه در قانون فعلی نیز ذکر شده، می‌توان ادعا کرد در حال حاضر نیز همین‌طور است (صفایی، امامی، ۱۳۸۰، ۱، ۱۴۳).

حتی در این صورت نیز حق اشتغال زن از بین نمی‌رود و اگر با تغییر شغل مشکل برطرف شود همچنان می‌تواند به اشتغال خود ادامه دهد.

۷-۱-۲- اشتغال و شرط بنایی

شرطی که در خارج عقد ذکر شود، اگر شرط با موضوع قرارداد مرتبط باشد و عقد مبتنی بر آن منعقد شود، شرط بنایی نامیده می‌شود؛ در این مورد، ارتباط شرط و عقد به نحوی است که طرفین از ذکر مجدد شرط در ایجاب و قبول بی‌نیاز هستند و شرط، قید معنوی عقد محسوب می‌شود.

ممکن است در مذاکرات پیش از عقد، زوجه بر شاغل بودن خود تأکید کرده یا طرفین عقد نکاح بر حق اشتغال زوجه توافق نموده باشند و عقد را مبتنی بر این توافق جاری سازند. در این گونه موارد، زوجین خود را از ذکر مجدد موارد توافق شده در عقد بی‌نیاز می‌دانند. چنین شرطی نیز نافذ و لازم‌الوفاء است. از بعضی عبارات فقهی چنین برمی‌آید که شرط بنایی در باب نکاح اعتبار ندارد. از کلام اکثر اصحاب فهمیده می‌شود شرط در صورتی قابل اعتنا و لازم‌الوفاء است که بین ایجاب و قبول واقع شود تا جزئی از عقد لازم گردد. بنابراین، اگر شرط، پیش از عقد یا پس از آن واقع شود، جزو عقد محسوب نمی‌شود و اعتبار ندارد» (بحرانی، ۱۴۰۵، ۲۴، ۱۶۷). برخی دیگر از فقها بر ضرورت ذکر شروط عقد نکاح بین ایجاب و قبول تأکید نموده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۷، ۴۵۷؛ نجفی، ۱۳۷۴، ۳۰، ۱۸۳؛ انصاری، ۱۴۱۵، ۲۲۵). به نظر می‌رسد عبارات فقها در نفی اعتبار شروط غیرمذکور در متن عقد، ناظر به شروط ابتدایی است و شامل شرط بنایی نمی‌شود؛ از این جهت که شروط بنایی، به دلیل ارتباطی که با عقد دارند و عقد مبتنی بر آنها جاری شده، در حکم شرط مذکور در متن عقد هستند (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵، ۳۴، ۳۶).

آیت‌الله سیستانی در پاسخ سؤالی می‌گوید: زوجه پیش از ازدواج شاغل است و مرد از این مسأله آگاه است. در صورت منافات داشتن اشتغال با حقوق زوج، زوج نمی‌تواند از اشتغال وی جلوگیری کند (نرم‌افزار گنجینه آرای فقهی - قضائی، سؤال ۹۰۷۷). آیت‌الله صافی گلپایگانی می‌نویسد: اگر زوج این را هم نمی‌دانسته که اشتغال زوجه با حقوق او منافات دارد و مع‌ذک بدون اعتراض قبول کرده، نمی‌تواند مانع اشتغال زوجه شود و اگر به این امر توجه نداشته، بعید نیست بتواند مانع اشتغال زوجه شود (همان).

۷-۱-۳- اشتغال و شرط ابتدایی

شروطی که در خارج عقد ذکر می‌شود، اگر با موضوع قرارداد بی‌ارتباط و بیگانه باشد (اعم از آن که هیچ عقدی در میان نباشد یا آنکه بین عقد و شرط هیچ ارتباطی نباشد)، شرط ابتدایی یا شرط بدوی نامیده می‌شود. بر این اساس، شرط ابتدایی تعهدی مستقل است. بعضی نوشته‌اند: مشهور فقهای امامیه معتقد هستند شروط ابتدایی لازم‌الوفاء نیستند (انصاری، ۱۴۲۰، ۶، ۵۴). بعضی نیز در عدم اعتبار شروط ابتدایی ادعای اجماع نموده‌اند (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۳، ۲۸۵). به نظر آنها، شرط ابتدایی در حقیقت شرط نیست و ادله وجوب وفا به شرط، شامل آن نمی‌شود (نجفی، ۱۳۷۴، ۳، ۱۸۳؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ۲۵۶-۲۵۵؛ آملی، ۱۴۱۳، ۲، ۱۵۲؛ اصفهانی، ۱۴۱۸، ۵، ۱۷۰). آنان بیان می‌دارند که شرط در لغت به معنای «الزام و التزام مذکور در

عقد» است (ابن منظور، ۱۴۱۹، ۷، ۸۲). بنابراین، الزام و التزام غیرمذکور در عقد، شرط نبوده و اطلاق شرط بر آن مجازی است. حتی اگر شرط ابتدایی در قراردادها نافذ باشد، در عدم اعتبار این شروط در عقد نکاح به استناد برخی روایات، تردیدی نیست. این مطلب مورد اتفاق و اجماع فقها بوده و نظر مخالفی دیده نشده است (نراقی، ۱۴۰۸، ۴۷). مدرک این اجماع، روایات متعددی است که قدر متیقن از دلالت این روایات، شرط ابتدایی است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ما کان من شرط قبل النکاح هدمه النکاح، و ما کان بعد النکاح فهو نکاح» (اشعری، ۱۴۰۸، ۸۷). در این حدیث، عبارت «بعد النکاح» به «بعد الایجاب» حمل شده است. بنابراین، مقصود از آن، شروط مذکور در عقد است (نوری، ۱۴۰۸، ۱۴، ۴۶۲)؛ لذا معنای حدیث فوق چنین خواهد بود: «هر شرطی که پیش از [عقد] نکاح بوده، [عقد] نکاح آن را از بین برده و آنچه بین ایجاب و قبول ذکر شده، جزئی از نکاح خواهد بود». احادیث دیگری نیز به همین مضمون وارد شده است: (کلینی، ۱۳۸۸، ۵، ۴۵۶). بنابر آنچه بیان شد، اگر شرط اشتغال زوجه، به صورت شرط ابتدایی واقع شود، اعتباری ندارد. با وجود این، اذن در اشتغالی که به صورت شرط ابتدایی داده شده، گاهی به سادگی قابل رجوع نیست؛ زیرا ممکن است زوجه به اعتماد اذن شوهر تعهدی کرده باشد که نقض تعهد برای خود یا برای متعهدله خساراتی داشته باشد. آیت‌الله مکارم شیرازی در این باره بیان نموده‌اند: «در صورتی که اشتغال زوجه در ضمن عقد لازمی مثل عقد ازدواج، شرط شده باشد، زوج نمی‌تواند مانع اشتغال او شود. در غیر این صورت، حق دارد از اذن خود برگردد؛ مگر در مواردی که به خاطر اذن زوج، مسؤولیت‌ها را پذیرفته و ناچار است آن را ادامه دهد» (گنجینه‌ی آرای فقهی - قضائی، سؤال ۵۷۶۰).

۲-۷- اعتبار شرط ضمن عقد مبنی بر عدم ممانعت شوهر از اشتغال، طبق نظر عامه

فقه‌های اهل سنت نیز در این باره نظرات مختلفی دارند که در ادامه به طور مختصر آنها را بررسی خواهیم کرد. اگر زن، کارمند اداره باشد و در ضمن عقد، شرط بگذارد که شوهر مانع ادامه‌ی کار او نشود یا این که زن به کار خود ادامه بدهد و شوهر سکوت بکند، در این مسأله، فقها در صحت وفا به این شرط، اختلاف نظر دارند:

نظر اول: حنفیه معتقد است که این شرط، فاسد و بدون اثر است؛ ولی عقد صحیح است و مرد می‌تواند مانع زن شود و اگر زن همچنان به کار خود ادامه بدهد، علی‌رغم منع شوهرش، زن، ناشزه خواهد

بود. در کتاب الدر المختار آمده است: اگر خود را در شب در اختیار شوهر قرار دهد یا برعکس، نفقه‌ای به او تعلق نمی‌گیرد؛ زیرا تمکین کامل نبوده است (حصفکی، ۱۴۱۵، ۳، ۶۳۴).

نظر دوم: مالکیه معتقد است که این شرط صحیح است؛ ولی مکروه و لازم‌الوفاء نیست؛ اما التزام به آن مستحب است. بنابراین، مرد می‌تواند زن را از کار کردن بازدارد و اگر اطاعت نکرد، زن، ناشزه خواهد بود (دردیر، بی‌تا، ۲، ۲۸۵).

نظر سوم: این شرط هیچ ارزشی ندارد؛ زیرا نفقه در صورتی واجب است که زن تمکین کامل داشته باشد و مجرد عقد موجب وجوب نفقه نمی‌شود و این شرط باعث می‌شود که زن بدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود و موجب می‌شود که زن، ناشزه باشد (شربینی، ۱۳۷۷، ۳، ۲۲۶-۲۲۷).

نظر چهارم: حنبلی‌ها معتقدند که این شرط برای شوهر الزام‌آور است و لازم است که به آن عمل کند و نمی‌تواند زن را از کار کردن منع کند و اگر منع کرد و زن قبول نکرد، زن در این حالت و بر طبق این شرط، ناشزه نخواهد بود؛ زیرا در اینجا کار زن در تنافی واجب دیگری نخواهد بود؛ چراکه خود مرد در ضمن عقد، این شرط را قبول کرده است (ابن قدامه، ۱۴۰۳، ۹، ۲۵۵).

۸- نتیجه‌گیری

در صورتی که اشتغال زوجه، مستلزم خروج از منزل باشد، از مقایسه دیدگاه‌های فقه‌های شیعه و اهل سنت به این نتیجه خواهیم رسید که اکثر فقه‌های شیعه و در میان مذاهب اهل سنت نیز اکثر آنها به استناد تعدادی از آیات و روایات، به استیذان مطلق قائلند. در صورتی که اشتغال مستلزم خروج از منزل نباشد یا زوج خروج از منزل را اجازه داده باشد، در صورتی که اشتغال زوجه با حق استمتاع کامل زوج در تنافی باشد، برای این اشتغال نیز به استیذان از زوج احتیاج دارد. فقه‌های عامه نیز همین نظر را دارند؛ هرچند بعضی از فقه‌های حنفی قائل به نشوز زن نیستند. اگر این اشتغال با مصالح خانواده اعم از مصالح و شؤون همسر یا خود زوجه در تنافی باشد یا با وظیفه‌ی مشارکت در تربیت فرزندان در تنافی باشد، شوهر از باب ریاست بر خانواده می‌تواند از اشتغال زوجه جلوگیری نماید. البته فقها به صراحت به این مطلب نپرداخته‌اند و حتی به جز تمکین خاص، سایر امور را از وظایف زوجه ندانسته‌اند؛ ولی بر رعایت شؤون همسر تأکید کرده‌اند. شوهر نمی‌تواند او را از تصرف در اموالش منع یا در آن دخالت نماید و زوجه مخیر است در اموال خود تصرف نماید؛ مگر در موارد معدودی مانند نذر. به‌هرحال، اذن از زوج در تصرف در اموال خودش نیز

مستحب است و از اخلاق حسنه در خانواده به‌شمار می‌رود و بعضی از روایات به آن اشاره و تأکید کرده‌اند. چنانچه زوجه به‌صورت شرط ضمن عقد، اشتغال خود یا خروج از منزل را شرط کرده باشد، اگر این شرط، ابتدایی نباشد، زوج ملزم است به این شرط وفادار بماند و نمی‌تواند از اشتغال زوجه ممانعت کند. همچنین است اگر بعد از عقد نکاح، در ضمن عقد لازم دیگری، آن را با شوهر شرط کرده باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی، (۱۴۰۴)، من لایحضره الفقیه. انتشارات جامعه المدرّسین، قم.
۲. ابن عابدین، (۱۴۱۵)، حاشیه رد المحتار علی الدر المختار، دارالفکر، قم.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵)، لسان العرب، داراحیاء التراث العربی، بی‌جا.
۴. ابی‌زکریا، محی‌الدین بن شرف النوری، (۱۴۱۷)، المجموع شرح المذهب. دارالفکر، چاپ اول.
۵. اشعری، احمد بن عیسی، (۱۴۰۸)، النوادر، مؤسسه الامام المهدی، قم، چاپ اول.
۶. احمدیان، عبدالرسول، مرادخانی، احمد، احمدی، محمدمهدی، مرادخانی، احمد، عابدیان، حسن، (۱۳۹۶). مطالعه‌ی تطبیقی محدوده‌ی استیذان زوجه برای خروج از منزل در فقه فریقین. مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۴۲، صفحه ۱۱-۲۸.
۷. اصفهانی، محمدحسین، (۱۴۱۸)، حاشیه المکاسب، انتشارات جامعه المدرّسین، قم.
۸. آملی، شیخ محمدتقی، (۱۴۱۳)، المکاسب و البیع (تقریر بحث نائینی)، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۹. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵)، النکاح، مؤسسه باقری، قم، چاپ اول.
۱۰. انصاری، مرتضی، (۱۴۲۰)، المکاسب، مؤسسه باقری، قم، چاپ اول.
۱۱. بجنوردی، محمدحسن، (۱۴۱۹)، القواعد الفقهیه، الهادی، قم، چاپ اول.
۱۲. بحرانی، آل‌عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، (۱۴۰۵)، الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره. ۲۵ جلد. دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۳. بروجردی، آقاحسین، (۱۳۸۶)، جامع أحادیث الشیعه، فرهنگ سبز، تهران.
۱۴. البهوتی، منصور بن یونس، (۱۴۰۲)، کشف القناع متن الإقناع، دار الفکر، قم.
۱۵. جبعی عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، (۱۴۱۳)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم.
۱۶. جناتی، محمدابراهیم (بی‌تا)، رساله توضیح المسائل، انصاریان، قم.
۱۷. حر العاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البتیت(ع)، قم.
۱۸. حرانی، ابن شعبه، حسن بن علی، (۱۳۷۶)، تحف العقول، ترجمه کمره‌ای، تهران، چاپ ششم.
۱۹. حسینی سیستانی، سیدعلی، (۱۴۱۳)، منهاج الصالحین. بی‌نا.

۲۰. حصکفی، شیخ علاءالدین، (۱۴۱۵)، الدر المختار شرح تنویر الأبصار. مطبوع مع حاشیه المختار لابن عابدین، دارالفکر، قاهره.
۲۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، (۱۳۸۱)، خلاصه الاقوال، مطبعه حیدریه، نجف.
۲۲. حمیری، ابوالعباس عبدالله، (۱۴۱۲)، قرب الاسناد، مؤسسه آل‌البیت(ع)، قم.
۲۳. دردیر، شیخ أحمد، (بی‌تا)، الشرح الصغیر علی أقرب المسالک، مطبوع مع حاشیه الصاوی، دار المعارف.
۲۴. رهبر، مهدی، (۱۳۹۳)، «محدوده‌ی شرعی تمکین عام زوجه»، پژوهش‌های فقهی، دوره دهم، شماره ۱.
۲۵. سیمایی صراف، حسین، (۱۳۸۰)، شرط ضمنی، بوستان کتاب، قم.
۲۶. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم، چاپ اول.
۲۷. شریینی، محمد الخطیب، (۱۳۷۷)، مغنی المحتاج الی معرفه معانی اللفاظ، طبعه الحلبی و الولاده.
۲۸. صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله، (۱۳۸۰)، حقوق خانواده، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، چاپ هشتم.
۲۹. طباطبایی حکیم، سید محسن، (بی‌تا)، مستمسک العروه الوثقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۰. عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۳)، مسالک الافهام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول.
۳۱. فضل‌الله، سید محمد، (۱۴۱۲)، تأملات اسلامیه حول المرأه، دارالملاک، بیروت.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷)، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، بی‌جا.
۳۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، حقوق مدنی خانواده، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۳۴. کیایی، عبدالله، (۱۳۶۵)، قانون مدنی و فتاوی‌ی امام خمینی(ره)، بی‌نا، تهران.
۳۵. محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۸۰)، بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.
۳۶. مدنی تبریزی، شیخ یوسف، (۱۴۰۳)، تکمله الوسيله، مکتبه اسماعیلیان، قم.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۴)، کتاب النکاح (مکارم)، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب(ع)، قم.
۳۸. مهرپور، حسین، (۱۳۸۴)، مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین‌المللی، اطلاعات، تهران.
۳۹. نجفی، محمدحسن، (۱۴۱۶)، جواهر الکلام، المکتبه الاسلامیه، تهران.
۴۰. نراقی، احمد، (۱۴۰۸)، عوائد الایام، مکتبه البصیری، چاپ سنگی، قم.
۴۱. نرم‌افزار «گنجینه آرای فقهی - قضائی»، دفتر آموزش روحانیون و تدوین متون فقهی معاونت آموزش قوه قضائیه.
۴۲. نووی، ابی‌الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیسابوری، (۱۴۱۸)، صحیح مسلم، دارالمنار.
۴۳. هدایت‌نیا گنجی، فرج‌الله، (۱۳۸۵)، اشتغال زنان و مصلحت خانواده در قانون مدنی، بررسی فقهی حقوقی ماده- ۷۱۱۱ قانون مدنی، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۳، صفحه ۷.